

نگارخانه فساد

سال ششم

شماره ۵۷

بهمن ۱۳۹۲

فساد دولتی و
حمایت عمومی

مرکز مطالعات و پژوهش‌های
سلامت اداری و مبارزه با فساد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزارش پژوهشی

سال ششم، شماره ۵۷، بهمن ۱۳۹۲

فساد دولتی و حمایت عمومی

نویسنده: لوئیجی مانزتی و کارول ویلسون

مترجم: محمدجواد حق شناس

مرکز مطالعات و پژوهشهای سلامت اداری و مبارزه با فساد

مطالب مندرج در این گزارش پژوهشی نشانگر دیدگاه نویسندگان آن بوده و لزوماً نمایانگر دیدگاه

سازمان بازرسی کل کشور نمی‌باشد.

کلیه حقوق مربوط به گزارش حاضر متعلق به سازمان بازرسی کل کشور بوده و هرگونه انتشار

مطالب آن بدون کسب اجازه از این سازمان، غیر مجاز می‌باشد.

اشاره

دولت در بسیاری از کشورها نقش پررنگی در زندگی شهروندان ایفا می‌کند و به دلیل وظایف و اختیاراتی که از آن برخوردار است می‌تواند مورد سوء استفاده قرار گیرد. در کشورهایی که سازوکارهای نظارتی به خوبی تعبیه شده و کنترل مؤثری اعمال می‌شود، فساد دولتی کمتر وجود دارد اما در کشورهای در حال توسعه که از ساختارهای دوگانه برخوردار هستند و قانون‌گرایی نهادینه نشده است شاهد فساد دولتی به درجات مختلف هستیم.

مقابله با فساد دولتی که در ادبیات علمی از آن به فساد سیاسی تعبیر می‌شود به دلیل گستردگی و حیطة نفوذ افراد دخیل در آن از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا تساهل در برخورد با آن می‌تواند عواقب و پیامدهای غیرقابل جبرانی در سطح جامعه داشته باشد.

سازمان بازرسی کل کشور به عنوان یکی از نهادهای مسئول مبارزه با فساد در جمهوری اسلامی ایران به منظور آشنایی پژوهشگران و دست‌اندرکاران حوزه بازرسی و نظارت با انواع فساد و روش‌های برخورد با آن به ترجمه مقالات مناسب در این حوزه می‌پردازد. به امید آنکه چنین پژوهش‌هایی بتواند به ارتقای سلامت اداری در کشور منجر شود.

مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد

فساد دولتی و حمایت عمومی

(لوئیجی مانزتی^۱ و کارول ویلسون^۲)

ترجمه: محمدجواد حق‌شناس^۳

چکیده:

این مقاله به موضوعی می‌پردازد که در ادبیات فساد سیاسی اغلب مورد غفلت قرار می‌گیرد: چرا شهروندان از دولت‌های فاسد حمایت می‌کنند؟ نویسندگان استدلال می‌کنند در کشورهای که نهادهای دولتی، ضعیف و روابط حامی-پیرو، قوی است احتمال حمایت مردم از دولت فاسد به منظور کسب منافع ملموس از آن، بیشتر است. نویسندگان این مقاله با استفاده از روش تحلیل فراملی که از شهروندان ۱۴ کشور جهان صورت گرفته، شواهد آماری در تأیید فرضیه فوق یافتند که به نوعی موید نوشته‌های اخیر در باب حامی‌پروری^۴ و توسعه نهادی است. یافته‌های این مقاله، کاربردهای مهمی برای پژوهشگرانی دارد که درباره موضوعاتی مانند پاسخگویی و حکمرانی خوب به تحقیق مشغول هستند زیرا نشان می‌دهد تا زمانی که دولت‌های فاسد بتوانند با دستکاری منابع دولتی شبکه حامیان خود را

^۱ استادیار علوم سیاسی دانشگاه متودیست جنوبی؛ وی نویسنده کتاب خصوصی‌سازی به سبک آمریکایی جنوبی است.

اخیراً از وی کتابی درباره موضوع پاسخگویی و اصلاحات در بازارهای نوظهور منتشر شده است.

^۲ استادیار علوم سیاسی در دانشگاه تگزاس و دالاس؛ علایق او عبارتند از: مطالعه تطبیقی رفتار سیاسی و مطالعه تطبیقی

احزاب سیاسی. وی مقالاتی را در مجلات آمریکایی و بریتانیایی علوم سیاسی منتشر کرده است.

^۳ کارشناس پژوهشی سازمان بازرسی کل کشور

راضی نگه دارند به احتمال زیاد قادر به حفظ حمایت سیاسی آنها هستند. علاوه بر این فرضیه فوق، این فرض را زیر سوال می‌برد که در کشورهایی که نهادهای رسمی و غیررسمی فرصت‌های رشد حامی‌پروری را فراهم می‌کند، اصلاحات اداری اندک می‌تواند باعث حذف فساد شود.

واژگان کلیدی:

فساد، خویشاوندگرایی، حامی‌پروری، پاسخگویی و اصلاح

مقدمه

از اوایل ۱۹۹۰، آگاهی رو به رشدی در سراسر جهان درباره پیامدهای مهلک فساد سیاسی بر رشد اقتصادی و حمایت عمومی از نهادهای دموکراتیک وجود داشته است. در برخی موارد، خشم مردم به استیضاح رئیس جمهور (برزیل، پرو، اکوادور) و استعفای نخست‌وزیر (ایتالیا، آلمان، ژاپن) و یا برکناری آن‌ها (فیلیپین، اندونزی، گرجستان) منجر شده است. هرچند رسانه‌ها چنین رویدادهایی را نشانه مبارزه با فساد تلقی می‌کنند، اما توجه اندکی به این واقعیت شده است که امروزه سیاستمداران با وجهه مخدوش، همچنان موفق به کسب بالاترین پست‌ها می‌شوند. مثال عینی آن سیلیویو برلوسکونی است که با وجود تحقیقات قضایی که وی را متهم به طیف وسیعی از جرائم می‌دانند، دو بار در سال‌های ۱۹۹۴ و ۲۰۰۱ به نخست‌وزیری ایتالیا انتخاب شد.

هرچند برلوسکونی نمونه‌ای افراطی است، اما موردی استثنایی قلمداد نمی‌شود. هدف از این مقاله بررسی سوالی است که تا حد زیادی در ادبیات اخیر مربوط به فساد نادیده گرفته شده است یعنی چرا شهروندان از دولت‌های فاسد خود حمایت می‌کنند؟ فرضیه ما این است که در کشورهایی که نهادهای دولتی ضعیف و روابط حامی-پیرو، قوی است، به احتمال زیاد مردم از دولت فاسدی که انتظار دریافت مزایای محسوس از آن دارند، حمایت کنند. شواهد آماری سازگار با این فرضیه، یعنی در صورت ناکارآمدی دولت، مردم با احتمال بیشتری از آن حمایت می‌کنند - ابزاری که معتقدیم توانایی دولت برای استفاده از دستگاه دولتی برای ایجاد روابط حامی‌پرورانه

را نشان می‌دهد- را با استفاده از تجزیه و تحلیل ملی از شهروندان در ۱۴ کشور پیدا کردیم. این موضوع، کاربردهای مهمی برای پاسخگویی دموکراتیک و حکمرانی خوب دارد. ضمن آنکه، شواهد تجربی برای تحلیل توصیفی را ارائه می‌کند که اهمیت حامی‌پروری سیاسی در حمایت از رژیم را تأیید می‌کند. همچنین با استفاده از داده‌های نظرسنجی که نشان می‌دهد حمایت از دولت‌های فاسد در سطح فردی وابسته به قدرت نهادهای سیاسی است، تحلیل‌های آماری اخیر درباره نقش نهادها را تکمیل می‌کند.

مرور ادبیات پیشین

از دهه ۱۹۶۰ تا اواخر دهه ۱۹۸۰، نظریه موسوم به کارکردگرایی بر بسیاری از بحث‌های دانشگاهی مربوط به فساد سیاسی مسلط بود. این نظریه فساد را شرط لازم برای مبارزه با کاغذبازی اداری، بازتوزیع منابع و تداوم توسعه اقتصادی- اجتماعی در کشورهای مخالف کمونیسم می‌دانست (گلداسمیت، ۱۹۹۹؛ هیدن هایمر، ۱۹۷۰؛ هانتینگتون، ۱۹۶۸؛ لف، ۱۹۶۴؛ نای، ۱۹۶۷؛ واتربری، ۱۹۷۶). با این حال، جنگ سرد که بسیاری از اصول این نظریه را فراهم کرده بود با پایان خود، دیدگاه کارکردگرا را منسوخ و آن را به سرعت از نظرها انداخت.

در طول یک دهه گذشته، مطالعات مربوط به فساد حیات مجددی یافت که تا حد زیادی به دلیل تغییر در طرز تلقی‌ها در ایالات متحده آمریکا و سایر کشورهای صنعتی عمده از اوایل دهه ۱۹۹۰ بوده است. فروپاشی اقتصاد دستوری در بلوک شوروی سابق که با کنار گذاشتن اندیشه صنعتی‌شدن از طریق جایگزینی واردات توسط بسیاری از

کشورهای در حال توسعه همراه شد، فرصت تاریخی برای ترویج آزادسازی تجاری و خصوصی‌سازی در سراسر جهان به وجود آورد. با این حال، انجام این اقدامات مستلزم آن است که سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه و بورس که عمدتاً از کشورهای صنعتی جریان پیدا می‌کند، از فساد دولتی نوع سابق مصون باشد. بنابراین، تغییر شرایط اقتصادی و ژئوپلتیک باعث کاهش قابل ملاحظه فساد می‌شود. از آنجا که بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول تا اواسط ۱۹۹۰ به شدت تحت نفوذ ایالات متحده قرار داشتند، در بسیاری از موافقت‌نامه‌های اعطای وام خود، مفاد ضدفساد را گنجانده‌اند.

بانک جهانی در ۱۰ سال گذشته، توجه فزاینده‌ای به تأثیر فساد به خصوص در کشورهای در حال توسعه و فراقومنیسم داشته است. مطالعات زیادی در این خصوص که با حمایت بانک جهانی صورت گرفته در مورد موضوع کلی حکمرانی خوب انجام شده است. فرض اساسی در مطالعات بانک جهانی این است که گسترده‌گی فساد، ناشی از ضعف مدیریت دولت است به ویژه هنگامی که دولت به عرصه اقتصاد وارد می‌شود. راهکاری که در پی فرض مذکور مطرح می‌شود این است که برخورد مناسب با فساد را می‌توان با ارتقای اصلاحات اداری انجام داد. به این منظور اقتصاددانان بانک جهانی مجموعه‌ای از داده‌های موردنیاز در سطح ملی را گردآوری کرده‌اند تا برخی از فرضیه‌هایی را که پیشتر در تحلیل‌های کشورهای یا گزارش‌های روزنامه‌نگاران بیان شده بود مورد آزمون قرار دهند (کافمن، ۱۹۹۷؛ کافمن، کرای و ماستروزی، ۲۰۰۳؛ کافمن، کرای و زویدولباتون، ۱۹۹۹؛ کافمن و وی، ۱۹۹۹)

تأکید دانشمندان سیاسی غالباً بر علل و تأثیرات فساد است که به طور معمول به عنوان یک اختلال در نظام‌های دموکراتیک محسوب می‌شود. سطح بالای فساد علاوه بر اینکه اعتماد بین فردی و اعتماد به دولت را تضعیف می‌کند، مانع فعالیت‌های جمعی و توسعه رفتار مدنی می‌شود (میشلر و رز، ۲۰۰۱؛ موریس، ۱۹۹۱). این مساله ممکن است عواقب وخیمی برای بقای نظام سیاسی به ویژه برای دموکراسی‌های نوپا داشته باشد (مونتیولا و جکمن، ۲۰۰۲؛ رزاکرم، ۱۹۹۹؛ تئوبالد، ۱۹۸۲؛ تالچین و اسپچ، ۲۰۰۰). برخی از مطالعات اخیر به‌گونه‌ای دقیق رابطه میان فساد و حمایت از نظام سیاسی را مورد بررسی قرار داده‌اند. رز، میشلر و هرپر (۱۹۹۸) در مطالعه خود از اروپای مرکزی و شرقی دریافتند که سطوح بالای فساد منجر به عدم حمایت از نظام دموکراتیک و برعکس باعث افزایش مقبولیت نظام خودکامه می‌شود. سلیگسون نیز در تجزیه و تحلیل خود از بولیوی، السالوادور، نیکاراگوئه و پاراگوئه (۲۰۰۲) شواهد آماری قوی‌تری پیدا کرد مبنی بر اینکه فساد، مشروعیت سیاسی دموکراسی را تضعیف کرده و تأثیر منفی بر اعتماد میان فردی به‌طور خاص و روابط جامعه مدنی به‌طور عام می‌گذارد. اندرسون و وردوا (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای دیگر با استفاده از نمونه آماری وسیع‌تر، یافته‌های قبلی مبنی بر اینکه در کشورهای دارای سطوح بالای فساد در مقایسه با کشورهای صنعتی، مردم نگرش منفی‌تری نسبت به کارمندان دولت از خود نشان می‌دهند را تأیید کردند. جالب‌تر اینکه آن‌ها دریافتند در چنین کشورهایی بعید است ارزیابی منفی توسط حامیان دولت مطرح شود که این مساله، توانایی مدیران فاسد به

حفظ قدرت در شرایطی که با رسوایی و عملکرد ضعیف مواجه‌اند را توضیح می‌دهد.

اگر چه بسیاری از این مطالعات کمک مهمی به شناسایی عواملی می‌کند که باعث تشدید فساد یا بیگانگی شهروندان از نظام سیاسی در سطح کشوری یا فراملی می‌شود، اما به‌طور کلی این مساله را نادیده می‌گیرند که بسیاری از مقامات فاسد در واقع به دلیل شهرت‌شان انتخاب می‌شوند. به‌طور خلاصه، ادبیات غالب موجود، هنگام مواجهه با نظامهای دموکراتیک، این واقعیت را نادیده می‌گیرند که فساد ممکن است مربوط به ماهیت فرآیند انتخاباتی باشد (لفتویچ، ۱۹۹۵). این مساله ممکن است به این دلیل باشد که بسیاری از محققان بر این باورند که فساد، به‌طور ماهوی در ضدیت با دموکراسی و در واقع یک ناهنجاری است نه هنجار(البوت، ۱۹۹۷). با این حال، رسوایی‌هایی که نظام‌های سیاسی فرانسه، ایتالیا، آلمان و ژاپن را در دهه ۱۹۹۰ تکان داد نشان می‌دهد دموکراسی‌های باسابقه نیز عمیقاً تحت تأثیر این پدیده هستند و مصداق آن را به هیچ وجه نباید تنها کشورهای در حال توسعه و یا کشورهای جداشده از کمونیسم دانست.

فساد، حامی‌پروری و حمایت از دولت

حجم زیادی از گزارش‌های نامعتبر در ارتباط با تداوم حمایت مردم از دولت‌های آلوده به فساد از طریق حامی‌پروری سیاسی وجود دارد، اما شواهد تجربی اندکی درباره همین موضوع وجود دارد که هدف ما در این مقاله نشان دادن این شواهد است. برای اجتناب از سردرگمی،

به طور مختصر تعاریفی از این پدیده را ارائه کرده و سپس نشان می‌دهیم که چگونه این تعاریف با فرضیه ما ارتباط پیدا می‌کنند. فساد در اشکال متنوعی ظاهر می‌شود که در اینجا امکان بیان آن‌ها با ذکر جزئیات وجود ندارد. با این حال، در تعبیری کلی آن را به این صورت تعریف می‌کنند: معامله‌ای غیرقانونی که در آن مقامات دولتی و بازیگران بخش خصوصی کالاهایی را با هدف افزایش ثروت خود و به زیان جامعه، مبادله می‌کنند. در یک طرف این طیف، مقامات دولتی هستند که از موقعیت و اختیار خود برای تحمیل رشوه به شهروندان و اهل کسب و کار که مایل به دریافت کالاهای عمومی هستند سوء-استفاده می‌کنند. افراطی‌ترین شکل این نوع از فساد به اصطلاح دزدسالاری نامیده می‌شود، که در آن مقامات سیاسی اقتدارگرا در فقدان وجود نظام کنترل و توازن، از نهادهای حکومتی برای افزایش ثروت خود به هر طریق ممکن استفاده می‌کنند.

در قطب دیگر، شهروندان و شرکت‌های خصوصی وجود دارند که زمانی مرتکب فعالیت‌های فاسد می‌شوند که به دارندگان مناصب، رشوه پرداخت می‌کنند تا محتوای احکام، آرای پارلمانی، مقررات اداری و تصمیمات قضایی را به سود آنها برگردانند. این فعالیت‌های غیرقانونی ممکن است برای تغییر سیاست‌های موجود یا تدوین سیاست‌های آتی به کار گرفته شود.

حامی‌پروری معمولاً به عنوان یک ارتباط غیررسمی میان دو بازیگر دارای قدرت اقتصادی-اجتماعی نامتقارن تعریف می‌شود که در آن حامی، دست بالا را داراست چرا که کنترل منابعی را در اختیار دارد که مشتریان وی به دنبال آن هستند و اغلب در غیر این صورت نمی‌توانند

آن منابع را دریافت کنند. بنابراین، حامی‌پروری سیستمی است که اغلب رابطه سلطه و استثمار مبتنی بر قدرت مقامات سیاسی دارای منابع را شکل می‌دهد (کیتشلت، ۲۰۰۰). علاوه بر این، حامی‌پروری مستلزم روابط متقابل به شکل مبادلات منفعتی خودکار و دوجانبه به نفع قدرت نابرابر است (به عنوان مثال، مشتریان ممکن است در ازای آرای خود مشاغل، قراردادهای مجوزها، مستمری‌ها، پرداخت‌های نقدی و دیگر کالاهای اساسی دریافت کنند). حامی‌پروری به عنوان یک پدیده سیاسی، مبتنی بر هنجارهای فرهنگی و رفتاری غیررسمی است که به طور گسترده پذیرفته شده است. الگوهای سنتی حامی‌پروری، به روابط شخصی مبتنی بر وفاداری و اطاعت، متکی است در حالی که نوع مدرن آن، توسط ماشین احزاب تنظیم می‌شود که حمایت را براساس رفتار حامی توزیع می‌کند (کیتشلت، ۲۰۰۰).

شواهد نظری و عملی قابل توجهی وجود دارد که نحوه تثبیت حامی‌پروری در وضعیت سیاسی‌ای را نشان می‌دهد که در آن، منابع کمیاب توسط گروه‌های سیاسی ریشه‌دار، کنترل و باعث می‌شود مردم با میل و علاقه، آرای خود را به نفع کسی که منابع را به آنها اختصاص می‌دهد به صندوق بریزند (براتون و ون دوال، ۱۹۹۴؛ بروسکو، نازارنو و استوکس، ۲۰۰۴؛ کلاپهام، ۱۹۸۲؛ دیلون و وانشکون، ۲۰۰۳؛ آیزنشتات و لمرچند، ۱۹۸۱؛ استون، ماگالونی و دیاز کیروش، ۲۰۰۲؛ فاکس، ۱۹۹۴؛ کیتشلت، منسفلدوا و مارکفسکی، ۱۹۹۹؛ لفتویچ، ۱۹۹۵؛ لمرچند، ۱۹۷۲؛ لیزری و پرسیکو، ۲۰۰۱؛ لوتر، ۲۰۰۱؛ مالسکی، ۲۰۰۱؛ رونی‌جر و گونز آیاتا، ۱۹۹۴؛ اشمیت، گوآتسی، لند و اسکات، ۱۹۷۷؛ اسکات، ۱۹۷۲؛ تئوبالد، ۱۹۸۲).

برخی از محققان به این سوال پرداخته‌اند که آیا ممکن است برخی نظام‌های انتخاباتی بیشتر از دیگر نظام‌ها، مستعد ابتلا به فساد باشند

یا خیر؟ شواهد در این زمینه، اغلب متناقض است. یک مکتب فکری مدعی است که لیست‌های حزبی مربوط به حوزه‌های رای‌گیری بزرگ در سیستم‌های نمایندگی تناسبی نسبت به سیستم‌های انتخاباتی که در آن حوزه‌های کوچکتر و سیاستمداران با یکدیگر رقابت می‌کنند، بیشتر احتمال بروز فساد دارد. نظریه حامی این استدلال این است که در مورد دوم، رای‌دهندگان از توانایی بیشتری برای پاسخگو نگه داشتن نامزدهای خاص برخوردارند که این مساله به پیشگیری از فساد کمک می‌کند (میشل، ۲۰۰۰؛ پرسون و تابلینی و تربی، ۲۰۰۳).

مکتب فکری دوم تبیین متفاوتی را ارائه می‌کند و مدعی است آنچه اهمیت دارد این است که آیا نظام‌های انتخاباتی سیاستمداران را به پیگیری "رای شخصی" تشویق می‌کنند یا نه؟ که در صورت پاسخ مثبت احتمال آنکه فرد به پاسخگویی کمتر، راهبردهای رانت‌جویانه‌تر و احتمالاً رفتار فاسدتر متمایل شود، بیشتر است (امس، ۱۹۹۵؛ کین، فرجان و فیورینا، ۱۹۸۷؛ کری و شوگارت، ۱۹۹۵؛ سامولز، ۱۹۹۹).

مجموعه دیگری از مطالعات اخیر تلاش کرده است راهبردهایی که باعث موفقیت انتخاباتی سیاستمدارانی می‌شود که بر شبکه‌های حامی-پرورانه گسترده و سازمان‌یافته متکی هستند را تبیین نماید. به عنوان مثال، مدینا و استوکس (۲۰۰۲) این نظریه را ارائه کردند که حاکمانی که کنترل انحصاری بر منابع سیاسی و اقتصادی دارند با تهدید مشتریانی که ممکن است به عنوان رقیب شناخته شوند در حفظ وضع موجود به طرفداری از خودشان کاملاً موفق هستند و در نتیجه رقابت انتخاباتی را به‌طور قابل توجهی کاهش می‌دهند. علاوه بر این، به دلیل آنکه فقر، تقاضا برای کمک‌های حامی‌پرورانه را افزایش می‌دهد، سیاستمداران

علاقه به استمرار رکود اقتصادی و جلوگیری از اجرای سیاستهای بازتوزیعی مبتنی بر مبانی غیرشخصی و شایسته‌محور دارند که از حیطة کنترل آنها خارج است.

به همین طریق، وانتچکون (۲۰۰۳) دریافت که در بنین، راهبرد جذاب انتخاباتی نامزدهای مسئول، به وعده‌های مربوط به خطمشی برنامه‌ها بی‌توجه است. در عوض، آن‌ها درخواست‌های حامی‌پرورانه‌ای را مطرح می‌کنند که معتبرتر از آن چیزی تلقی می‌شود که رقبا مجبورند با ارائه بخشی از وعده‌های داده شده به طرفداران خود قبل از انتخابات بدهند. بروسکو و همکاران (۲۰۰۴)، این نظر را بر اساس طرح مشابهی تأیید کردند که نشان می‌داد در آرژانتین، شبکه‌های حامی-پرورانه به ویژه در بسیج رای‌دهندگان فقیر و کم سواد از طریق ارائه کمک ناچیز به آن‌ها موفق هستند. در مطالعه دیگری در آرژانتین، استوکس (۲۰۰۵) نشان داد که سیاستمداران چگونه نه تنها در به دست آوردن آرای مردم در مقابل کمک‌های ملموس کاملاً موفق هستند بلکه ابزارهای بسیار مؤثری برای نظارت بر آرای حامیان خود بر سر صندوق‌های رأی دارند که آن‌ها را از شکست باز می‌دارد. استوکس پی برد که احزاب حامی‌پرور در آرژانتین بر عکس آنچه قبلاً فرض می‌شد، از حامیان سرسخت خود (که رأی آن‌ها به هر طریق به حزب داده خواهد شد) حمایت آنچنانی نمی‌کنند بلکه بیشتر بر روی افرادی که در رأی خود تردید دارند و روابط قوی با دستگاه حزبی ندارند متمرکز می‌شوند.

توافق قابل توجهی نیز وجود دارد که حامی‌پروری به احتمال زیاد در دولت‌هایی که در آن‌ها فقر زیاد است، فراگیر و قوی است. کیتشلت (۲۰۰۰) نشان می‌دهد که افراد فقیر و بی‌سواد، همان‌طور که با

شهروندان مرفه‌تر و باسوادتر مخالف هستند، کمتر علاقه‌مند به سیاستمدارانی هستند که وعده کالاهای عمومی (در مقابل کالاهای خصوصی) در بلندمدت به آن‌ها می‌دهند. همچنین افراد فقیر، خیلی نگران سقوط وضعیت حامی خود نیستند. آن‌ها نیازهای اساسی دارند که باید بلافاصله برآورده شود و با توجه به اینکه چندین نسل نادیده گرفته شده‌اند، می‌دانند که انتظار کمک داشتن از نهادهای دولتی کاملاً غیرواقعی است چراکه کانال‌های نهادی کار نمی‌کنند و معمولاً توسط مقامات سیاسی کنترل می‌شود که شبکه‌های حامی‌پرورانه را تحت کنترل خود دارند. این نکته توضیح می‌دهد که چرا حامی‌پروری حتی با وجود انتخابات رقابتی، می‌تواند قوی و زنده باشد. تا زمانی که تعداد زیادی از افراد فقیر می‌توانند طعمه ماشین‌های انتخاباتی موجود شوند، امید سیاستمداران حامی‌پرور برای ماندن در قدرت، همچنان باقی خواهد ماند.

این مشاهدات ما را به نقطه بعدی می‌رساند. مجموعه فزاینده‌ای از ادبیات تجربی وجود دارد که نشان می‌دهد حامی‌پروری و ضعف نهادهای دولتی به شدت به هم مرتبط هستند. حال باید دید نهادهای دولتی قوی دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟ این نهادها معمولاً با نظام‌های حقوقی که ملتزم به حاکمیت قانون و مالکیت خصوصی هستند، دیوانسالاری که کالاها و خدمات عمومی را به شیوه ای کارآمد، بی‌طرف و به موقع ارائه می‌کنند، مقررات کسب و کار محدود و قابل پیش‌بینی و سطوح پایین فساد سیاسی و اداری مشخص می‌شوند (ایسترنلی و لوین، ۱۹۹۷؛ کافمن و همکاران، ۱۹۹۹؛ ناک و کیفر، ۱۹۹۵؛ مائورو، ۱۹۹۵). علاوه بر این، نهادهای دولتی قوی نظام موازنه و تعادل مطلوبی

دارند که مقامات رسمی را در مقابل اقدامات‌شان، پاسخگو نموده و حد متوسطی از پاسخگویی در فرآیند سیاستگذاری را تضمین می‌کنند.

بالعکس، حامی‌پروری زمانی رشد می‌کند که نهادهای دولتی در ارائه کالاهای عمومی، ضعیف و ناتوان (یا بی‌میل) باشند، هرچند بر روی کاغذ این کار را انجام دهند (شفت، ۱۹۷۷)، پاسخگویی سیاسی کم و فرایند سیاستگذاری از نظارت عمومی به دور باشد. این وضعیت اجازه می‌دهد شبکه‌های حامی‌پرور، پا جای پای نهادهای دولتی گذاشته و به عنوان تنها منبع تأمین کالاهای اساسی برای گروه‌های محروم، جایگزین این نهادها شوند. در واقع، همانطور که استوکس (۲۰۰۵) اشاره می‌کند، سیاستمداران حامی‌پرور در دست‌وپاگیر، فاسد و بی‌اثر نگه داشتن نهادهای دولتی، منافع شخصی دارند زیرا این وضعیت، مشروعیت آن‌ها را نزد رأی‌دهندگان فقیر به عنوان حل‌کنندگان مشکل افزایش می‌دهد. در یک تحلیل اخیر در سطح ملی، کیفی (۲۰۰۵) شواهد تجربی پیدا کرد که ارتباط قوی بین نهادهای دولتی ضعیف و سیاست‌های حامی‌پرورانه در دموکراسی‌های جوان را نشان می‌دهد.

نهادهای دولتی ضعیف در ارائه عادلانه و منطقی کالاهای عمومی، ناتوان هستند زیرا این نهادها در تسخیر گروه‌های قدرتی هستند که از آن‌ها برای توزیع منافع بین هواداران خود استفاده می‌کنند و موجب رانت‌جویی به نفع آن‌ها می‌شوند. بنابراین، در چنین بستری، سیاستمداران وعده‌های انتخاباتی معتبری بر اساس یک برنامه مشخص ارائه نمی‌کنند و رأی‌دهندگان نیز می‌دانند که به چنین وعده‌هایی عمل نخواهد شد. در نتیجه، تنها وعده‌های معتبر آنهایی هستند که

برای سیاستمداران اعتبار ایجاد می‌کند یعنی در اصل تنها کالاهای عمومی برای هواداران سیاسی در عوض رأی آن‌ها.

فرضیه‌ها

رابطه بین ناتوانی نهادهای دولتی برای ارائه کالاهای عمومی از یک سو و توانایی شبکه‌های حامی‌پرور برای سود بردن از چنین وضعیتی از سوی دیگر در توضیح اینکه چرا مردم تمایل به حمایت از حکومت‌های فاسد دارند رابطه‌ای اساسی است. استدلال ما این است که نهادهای دولتی ضعیف به سیاستمداران فاسد این امکان را می‌دهد که کنترل منابع دولتی را در اختیار گرفته و عرضه کالاهای عمومی را از طریق شبکه‌های حامی‌پرورانه به هواداران خصوصی‌شان اختصاص دهند. به گونه‌ای متفاوت، ما مدعی هستیم که دولت‌های فاسد، به رغم بدنامی خود، ممکن است باقی بمانند زیرا آن‌ها قادر به خرید رأی-دهندگان (یا حداقل رأی‌دهندگان کافی) از طریق شبکه‌های حامی‌پرور خود هستند. اگر دولت‌های فاسد قادر به تأمین بهتر طرفداران خود باشند، شهروندان ممکن است به دلیل مشوق‌هایی که آن‌ها عرضه می‌کنند از چنین دولتی حمایت کنند، حتی اگر آن‌ها فاسد باشند (و در واقع به این دلیل که فاسد هستند). نمونه‌هایی از این نوع وضعیت، فراوان است و برخی سیاستمداران به آن اعتراف کرده‌اند. ادھمار دی‌بروس، یکی از مهمترین سیاستمداران بدنام برزیل از دهه ۱۹۳۰ تا دهه ۱۹۶۰ است، که حامیان وی می‌گفتند: "او می‌دزد، اما آن را بین مردم توزیع می‌کند!" یک مورد دیگر فرماندار سابق لوئیزیانا، ادوین ادواردز، است که

در انتخابات فرمانداری سال ۱۹۹۱ هوادارن پرشورش با افتخار می-گفتند: "فقط به این دزد رأی دهید: مهم این است!"

در یک سناریوی سیاسی از این دست که پیشتر در برخی از کارهای علمی بدان اشاره شد، حامی‌پروری تبدیل به راهبرد انتخاباتی جذاب در دست سیاستمداران فاسد می‌شود. بنابراین، قوت نهادهای دموکراتیک ساختاری مناسبی را برای سیاستمداران جهت درگیر شدن در رفتار حامی-پیرو و بازگشت به سوی آن برای چنین رفتاری طراحی می‌کند. این مقاله از طریق فهم این معما که چرا مردم به دولت-های فاسد رأی می‌دهند به بحث علمی فعلی کمک می‌کند و این کار را با ادغام آثار اخیر درباره ادبیات حامی‌پروری و حکمرانی خوب انجام می‌دهد.

دشواری آزمون استدلال ما این است که بر اساس هر مدلی فراملی که بحث را دنبال کنیم، هیچ داده‌ای وجود ندارد که به طور مستقیم سطح حمایت‌های ارائه شده توسط سیاستمداران را اندازه‌گیری کند. با این حال، قدرت نهادهای دموکراتیک روشی را ارائه می‌کند که مفهوم حامی‌پروری و سیاست حمایت^۱ به طور غیرمستقیم اندازه گرفته شود. بین فساد که توسط شاخص شفافیت بین‌الملل اندازه‌گیری شده و اندازه‌گیری ما از قدرت نهادهای دموکراتیک همبستگی بسیار بالایی ($\rho = 0.88$) وجود دارد. این به آن دلیل است که در جایی که نهادهای دموکراتیک، قوی هستند، رفتار فاسد توسط سیاستمداران برای توزیع حمایت از طریق شبکه‌های حامی‌پرورانه، پرهزینه و در

^۱ Patronage politics

جایی که ضعیف است، سیاست حمایت، ارزان است. این موضوع فرضیه اصلی ما را که در این مقاله به آزمون آن می‌پردازیم نشان می‌دهد:

فرضیه: بین حمایت از دولتی که فاسد تلقی می‌شود و قدرت نهادهای دولتی، ارتباط معکوس وجود دارد.

از آنجا که نهادهای دولتی ضعیف، بستری را فراهم می‌کنند که باعث تقویت سیاست حامی‌پرورانه می‌شود معتقدیم کسانی که در چنین بستری زندگی می‌کنند، کمتر احتمال دارد دولتی را که فاسد تلقی می‌شود تنبیه نمایند. برعکس، در جایی که نهادهای دولتی قوی هستند، شاهد اعمال حاکمیت قانون و حقوق مالکیت توسط دستگاه قضایی سالم، بوروکراسی دولتی که کالاهای عمومی را به شیوه‌ای حرفه‌ای و غیرشخصی توزیع می‌کند، مقررات کسب و کار کارآمد و استانداردهای پاسخگو و شفاف برای زیر نظر داشتن رفتار دارندگان مناصب هستیم. در نتیجه، فرصت گردآوری مشتریان زیاد از طریق دستکاری دولت، محدود شده و توزیع خصوصی کالا هم برای سیاستمداران و هم برای شهروندان نسبتاً پرهزینه می‌شود. این شرایط، خرید حمایت از طریق شبکه‌های حامی‌پرور برای سیاستمداران فاسد در کشورهای دارای نهادهای دموکراتیک قوی را دشوار می‌سازد. در چنین بستر نهادی، احتمال اینکه سیاستمداران فاسد توسط مردم مجازات شوند، زیاد است.

تجزیه و تحلیل فساد دولتی و حمایت از آن

برای آزمون این فرضیه که حمایت از دولتی که فاسد تلقی می‌شود ارتباط معکوسی با قدرت نهادهای دموکراتیک دارد، از داده‌های اختصاصی مرکز مطالعات ارزش‌های جهانی^۱ (WVS) همراه با داده‌های سطح ملی استفاده می‌کنیم (اینکهارت و همکاران، ۲۰۰۰). نمونه ما شامل ۱۴ کشور است (همه کشورهای WVS همراه با داده‌هایی برای فراگیری متغیرها): آرژانتین، استرالیا، برزیل، شیلی، فنلاند، آلمان، مکزیک، نروژ، فیلیپین، اسپانیا، سوئد، تایوان، ایالات متحده و ونزوئلا.^۲ این کشورها شامل مناطق مختلفی از جهان بوده و از سطح بسیار متفاوتی از توسعه و نوع نظام سیاسی برخوردارند.

متغیر وابسته در این تحلیل یعنی حمایت از دولت، مبتنی بر این سؤال است: "چقدر از روشی که کارکنان مراکز دولتی، کشور را اداره می‌کنند راضی هستید؟" پاسخ‌های ممکن این موارد است: "بسیار راضی"، "نسبتاً راضی"، "نسبتاً ناراضی"، "بسیار ناراضی" و "نمی‌دانم". برای سهولت نمایش، پاسخ‌ها را به دو گروه "بسیار" و "نسبتاً" و دو مقوله راضی (کد ۱) و ناراضی (کد ۲) تقسیم می‌کنیم. در مجموع، ۴۲ درصد از نمونه آماری از دولت‌شان ابراز رضایت کرده‌اند.

از آنجا که قصد تعیین چرایی حمایت یا عدم حمایت افراد از دولت‌های فاسد را داریم، تأثیر قوت نهادهای دموکراتیک بر رضایت از دولت در سطوح مختلف تلقی از فساد را مقایسه می‌کنیم. در این تحلیل از تعریف ذهنی فساد استفاده می‌کنیم. تعریف فساد از یک پژوهشگر

^۱ World Values Study

به پژوهشگر دیگر متفاوت است. بانک جهانی از این تعریف استفاده می‌کند: "سوءاستفاده از قدرت برای رسیدن به اهداف شخصی"، هر چند قانونی بودن اقداماتی که ذیل این تعریف وسیع قرار می‌گیرند از یک نظام حقوقی به نظام دیگر، متفاوت است. علاوه بر این، افراد، ممکن است تلقی متفاوتی از اقدامات مشابه مقامات دولتی داشته باشند یعنی برخی عملی را فاسد و بعضی دیگر، همان عمل را مناسب یا حداقل، قانونی می‌دانند. به این دلیل، به تعریف خود پاسخ دهندگان از فساد احترام می‌گذاریم. بنابراین، اگر پاسخ‌دهنده‌ای معتقد باشد سطح بالایی از فساد در کشورش وجود دارد، فرض می‌کنیم که این مطلب، نشان دهنده آن است که پاسخ‌دهنده در خصوص آن اعمال فاسد، شواهدی داشته و یا اطلاعاتی در این خصوص داشته است. این برداشت‌های ذهنی، روی هم‌رفته، برای نشان دادن واقعیت لازم است. میانگین پاسخ‌ها به پرسش فساد WVS در هر کشور با ارقام مؤسسه شفافیت بین‌الملل در مورد سطح فساد در این کشورها همبستگی دارد ($p = 0.44$). صرف‌نظر از تعریف، موضوع مورد علاقه ما این است که چرا افراد همچنان به حمایت از دولت‌هایی که آن‌ها را فاسد تلقی می‌کنند، ادامه می‌دهند. سازوکار این تلقی و اینکه چرا برخی افراد، فساد را بیشتر از دیگران تصور می‌کنند، فراتر از محدوده این تحلیل است هر چند این احتمال وجود دارد که هواداران این طرز تلقی‌ها را شکل داده یا این برداشت‌ها وابسته به اطلاعات سیاسی و فرآیندهای انتسابی^۱ باشد. با مقایسه طرز تلقی‌های مختلف از فساد، می‌توانیم

^۱ Attribution processes

تأثیر فساد را بر حمایت از دولت ببینیم بدون اینکه نیاز به این فرض داشته باشیم که برداشتها منعکس‌کننده شرایط عینی فساد در کشور است. سطح تلقی از فساد را بر اساس پاسخ به این سوال تعریف می‌کنیم: فکر می‌کنید رشوه و فساد در این کشور چقدر شایع است؟ پاسخ‌ها شامل این موارد است الف) تقریباً هیچ مقامات دولتی درگیر آن نیست (۵٪) ب) تعداد اندکی از مقامات دولتی درگیر آن هستند (۴۲٪) ج) بیشتر مقامات دولتی درگیر آن هستند (۳۰٪) د) تقریباً همه مقامات دولتی در آن درگیر هستند (۲۱٪).

همان‌طور که انتظار می‌رود، رابطه‌ای معکوس بین فساد و رضایت از دولت وجود دارد. در میان پاسخ دهندگانی که بالاترین سطح فساد را تصور می‌کنند، تنها ۳۰ درصد از دولت رضایت دارند حال آنکه ۶۲ درصد کسانی که پایین‌ترین سطح فساد را تصور می‌کنند، از دولت خود راضی هستند.

متغیر مستقل کلیدی در این فرضیه، قدرت نهادهای دموکراتیک است. برای عملیاتی کردن این متغیر، سنجش اثربخشی دولت در سال ۱۹۹۶ که توسط کافمن و همکاران (۲۰۰۳) ارائه شده است را انتخاب می‌کنیم. این مقیاس، ترکیبی از پاسخ‌های مربوط به کیفیت ارائه خدمات عمومی، کیفیت دیوانسالاری، صلاحیت کارمندان دولت، استقلال نظام اداری از فشارهای سیاسی و میزان اعتبار تعهد دولت به سیاست‌ها را اندازه‌گیری می‌کند. بر این باوریم که دقیقاً ضعف این جنبه‌های نهادهای دموکراتیک نشانگر سیاست حامی‌پرورانه است. در این نمونه، اثربخشی دولت محدوده‌ای از ۰/۶۹- تا ۱/۷۷ را شامل می‌شود که

ونزوئلا کمترین اثربخشی دولت و نروژ بیشترین اثربخشی را دارد. سطح متوسط اثربخشی دولت در نمونه ۰/۹۲ است.

شهروندان کشورهای دارای اثربخشی کمتر از سطح متوسط، نسبت به شهروندان کشورهای بالاتر از حد متوسط، سطح بالاتری از فساد را متصور هستند. در کشورهای دارای اثربخشی پایین‌تر از سطح متوسط، میانگین سطح تلقی فساد ۲/۱۶ است (اکثر مقامات درگیر در فساد هستند) در مقایسه با ۲/۴۳ (بین مقامات اندک تا بیشتر) برای کسانی که در کشورهای دارای اثربخشی بالاتر از سطح متوسط زندگی می‌کنند. اگر چه تلقی از فساد در کشورهای دارای نهادهای ناکارآمد بالاتر است، اما در بین آنها تفاوت قابل توجهی وجود دارد. تقریباً یک چهارم از حجم نمونه (۲۴/۴٪) در کشورهایی دارای اثربخشی کمتر از حد متوسط، تصور می‌کنند هیچ مقام دولتی درگیر در فساد نیست یا اندکی از آنها درگیرند. در کشورهای دارای نهادهای بسیار کارآمد، ۴۰ درصد از شهروندان تصور می‌کنند که همه یا بیشتر مقامات دولتی در فساد درگیرند. به طور کلی در کشورهای دارای اثربخشی دولتی کمتر از حد متوسط، حمایت کمتری از دولت وجود دارد (۳۷٪) در مقابل ۴۵٪ مردم کشورهای بالاتر از حد متوسط.

انتظار داریم در مورد افرادی که سطح بالایی از فساد دولتی را متصور هستند، این اثربخشی دولت با متغیر وابسته یعنی حمایت از دولت ارتباط منفی داشته باشد. به این معنا که با افزایش اثربخشی دولت، انتظار می‌رود احتمال حمایت از دولت در میان کسانی که تلقی وجود سطح بالایی از فساد دولتی را دارند، کاهش یابد. این اصطلاحی تعاملی بین اثربخشی دولت و تلقی از فساد است.

علاوه بر اثربخشی دولت، بسیاری از متغیرهای دیگر نیز ممکن است چرایی حمایت از یک دولت فاسد را تبیین نمایند که باید در مدل کنترل شود. از این منظر، نخست حمایت ممکن است مشروط به رضایت اقتصادی باشد. اگر شهروندان از وضعیت اقتصادی خود راضی باشند، ممکن است از دولت بدون توجه به ماهیت آن، حمایت نمایند. حمایت ممکن است وابسته به ارزیابی ذهنی از شرایط اقتصادی شخصی (کیف پول) و یا شرایط ملی عینی (اجتماع محور) باشد. دوم اینکه، برخی از محققان نشان می‌دهند که بعضی از گروه‌ها به دلیل هنجارهای فرهنگی و انتظارات، ممکن است درباره رفتار فاسد تحمل بیشتری داشته باشند. (بک و لی، ۲۰۰۲؛ شولت نوردهولت، ۲۰۰۰؛ وردیم، ۱۹۷۰). اگر این موضوع، درست باشد انتظار می‌رود کسانی که فساد را توجیه‌پذیر می‌دانند حمایت بیشتری از دولت به عمل آورند حتی اگر به نظر آن‌ها دولت به شدت فاسد باشد. سرانجام، متغیر آموزش را در مدل، کنترل می‌کنیم. آموزش ممکن است با تأثیر گذاشتن بر تلقی از فساد و توان افراد به انتساب فساد به دولت، حمایت از دولت را تحت تأثیر قرار دهد. بیان و کدگذاری این متغیرهای تبیین‌کننده در ضمیمه آورده شده است.

برای برآورد این مدل، از رگرسیون احتمالاتی^۱ استفاده می‌کنیم زیرا متغیر وابسته، دو بخشی است. نتایج برآورد در جدول ۱ نمایش داده شده است. ستون اول، ضرایب احتمالاتی تغییرنیافته پس از خطاهای استاندارد را نشان می‌دهد. خطاهای استاندارد خوشه‌بندی

^۱ probabilistic regression

شده این واقعیت را در نظر می‌گیرند که مشاهدات درون کشورها، مستقل نیستند. تفاوت آماری معنی‌دار متغیر کنترل (رضایت اقتصادی، تورم و آموزش) معمولاً با توجه به اندازه خطای استاندارد در رابطه با اندازه ضریب قابل مشاهده است. ارزیابی‌های اقتصادی از وضعیت اقتصادی حاضر و اجتماع‌محور (رضایت اقتصادی و تورم)، از لحاظ آماری تأثیر معنی‌داری در حمایت از دولت دارد.

جدول ۱ نتایج احتمالی رضایت از دولت

متغیرهای وابسته	ضریب	خوشه	تأثیرات حاشیه‌ای زمانی که فساد در حداقل خود است*	تأثیرات حاشیه‌ای زمانی که فساد در حداکثر خود است
فساد	-۰/۲۰	۰/۰۸	-۰/۱۱	-۰/۰۹
اثر بخشی دولت	۰/۱۵	۰/۲۷	۰/۰۲	-۰/۰۹
اثر بخشی دولت × فساد	-۰/۱۱	۰/۰۷		
رضایت اقتصادی	۰/۰۷	۰/۰۱		
تورم	-۰/۰۱	۰/۰۰۳		
تحمل فساد	-۰/۰۰۴	۰/۰۴	۰/۰۰۲	۰/۰۱
تحمل × فساد	۰/۰۱	۰/۰۱		
آموزش	۰/۰۱	۰/۰۱		
ثابت	۰/۰۸	۰/۳۴		
N	۱۶۰۲۵			
احتمال لگاریتم	-۱۰۲۵۰/۰۲			

* در سطح خاصی فساد، ثابت در نظر گرفته می‌شود که با استفاده از روش دلتا و با دستور predictnl در نرم افزار stata ۸.۲ محاسبه شده است.

احتمال پیش‌بینی شده مربوط به حمایت از دولت به ازای یک تغییر مفروض در متغیرهای مستقل، سطح معنی‌داری قابل توجهی را نشان

می‌دهد. برای فردی که در سطح متوسط تمام متغیرهای دیگر قرار دارد، تغییر از پایین‌ترین سطح رضایت اقتصادی به بالاترین سطح رضایت منجر به افزایش قابل‌توجه در حمایت از دولت تا حد ۲۲ درصد می‌شود.^{۱۱} به همین ترتیب، اثر تغییر مقدار متغیر تورم از حداقل به حداکثر آن، احتمال حمایت را تا ۳۵ درصد کاهش می‌دهد. همانطور که انتظار می‌رود، حمایت از دولت تا حد زیادی متأثر از شاخص‌های اقتصادی عینی و ذهنی است، اگر چه آموزش در مدل، معنی‌دار نیست.

محاسبه معنی‌داری آماري اصطلاحات متقابل و اجزاء تشکیل‌دهنده آن‌ها، ساده نیست چرا که تأثیرات آن‌ها مشروط به مقادیر اجزاء مؤلفه مربوط به تعاملات است (نورتون، وانگ و آی، ۲۰۰۴). بنابراین زمانی که همه متغیرهای دیگر در میانگین، ثابت نگه داشته می‌شوند و فساد در مقادیر حداقل و حداکثر خود، ثابت نگه داشته می‌شود، تأثیرات حاشیه‌ای را از طریق متغیرهای کنترلی محاسبه می‌کنیم (شیب تابع با توجه به محور x). این نتایج در ستون‌های عددی سوم و چهارم جدول ۱ نشان داده می‌شوند. در اینجا مشاهده می‌شود که اثر کلی فساد، معنی‌دار و منفی است که نشان می‌دهد افزایش فساد، پیامدهای منفی برای حمایت از دولت دارد. این موضوع، در احتمالات پیش‌بینی شده فساد و اثربخشی دولت که در جدول ۲ ارائه شده مشهود است.

هنگامی که تمامی متغیرها در میانگین خود ثابت نگه داشته می‌شوند (ستون مرکزی) احتمال حمایت از دولت برای کسی که پایین‌ترین سطح فساد را تصور دارد ۰/۵۹ است، در حالی که اگر آن شخص سطوح بالای فساد را متصور بود، احتمالاً به ۰/۲۷ تغییر می‌کرد.

جدول ۲ احتمالات پیش‌بینی شده حمایت از دولت

اثربخشی دولت			سطح فساد (مقامات دولتی درگیر)
ماکزیم	متوسط	مینیم	
۶۰	۵۹	۲۶	تقریباً هیچ
۴۷	۴۸	۵۲	تعداد اندک
۳۲	۳۷	۴۷	بیشتر افراد
۲۰	۲۷	۴۳	تقریباً همه

نکته: زمانی که تمامی متغیرها، در میانگین خود ثابت در نظر گرفته می‌شوند اعداد هر خانه احتمالاً نشانگر حمایت از نتیجه است، اما مقادیر فساد و اثربخشی دولت (و در نتیجه اصطلاح تعاملی) متفاوت هستند همانطور که در جدول مشخص شده است. احتمالات با استفاده از نرم افزار stata ۸.۲ محاسبه شده است.

اثربخشی دولت نیز تأثیر قابل توجهی بر متغیر وابسته دارد، البته تنها در صورت وجود فساد بالا. وقتی فساد کم است تأثیر حاشیه‌ای اثربخشی دولت، معنی‌دار نیست اما هنگامی که فساد زیاد است، منفی و معنی‌دار است. بنابراین، اثربخشی دولت همراه با فساد منجر به کاهش قابل توجه حمایت از دولت می‌شود البته این، تنها زمانی است که فساد زیاد باشد. یعنی به طور متوسط، هنگامی که تلقی از فساد، کم است اثربخشی دولت، بر رضایت تأثیر می‌گذارد اما هنگامی که تلقی از فساد بالاست، تأثیری ندارد. این نکته، فرضیه اصلی ارائه شده در این تحلیل را تأیید می‌کند. کسانی که به وجود سطوح بالایی از فساد اعتقاد دارند در کشورهایی که اثربخشی دولت پایین است (در مقایسه با کشورهای که

در آن کارایی دولت زیاد است)، احتمال بسیار کمتری وجود دارد که دولت را مجازات نمایند چرا که این احتمال وجود دارد که آن‌ها ذینفع حامی باشند. زمانی که اثربخشی دولت در حداقل خود است و پاسخ‌دهنده سطح بالایی از فساد را متصور است، احتمال پیش‌بینی شده نشان دهنده رضایت از دولت ۰/۴۳ (جدول ۲) است. وقتی که اثربخشی دولت در حداکثر خود است این احتمال به‌طور قابل توجهی تا سطح ۰/۲۰ کاهش می‌یابد. این نشان می‌دهد که نهادهای دموکراتیک ضعیف، اجازه می‌دهد دولت‌های فاسد، حمایت و پشتیبانی سیاسی را جلب کنند. بنابراین، در کشورهایی که اثربخشی دولت در پایین‌ترین سطح خود است احتمال دارد زمانی که شهروندان ناراضی هستند به دولتی رضایت دهند که فکر می‌کنند به شدت فاسد است (هیچ تفاوت قابل توجهی در احتمالات وجود ندارد). با این حال، در کارآمدترین کشورها، با وجود تلقی بالا از فساد، احتمال رضایت به‌طور قابل ملاحظه‌ای تا ۰/۲۰ کاهش می‌یابد. در عین حال توجه داشته باشید که هر زمان شهروندان میزان فساد را زیاد تلقی کنند (تقریباً همه مقامات دولتی یا بیشتر آن‌ها در آن درگیر باشند)، تعداد آن‌ها به منظور مجازات دولت کاهش می‌یابد اما زمانی که اثربخشی دولت بالاست، آن‌ها این کار را با شدت بیشتری انجام می‌دهند (دو ردیف پایین جدول ۲).

فرضیه ما در مورد نقش سیاست حمایت و اثربخشی دولت در حمایت از فساد حتی به هنگام کنترل تفاوت‌ها و انتظارات در مورد فساد نیز وجود دارد. شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه کسانی که بیشتر تحمل فساد را دارند بیشتر از دولت حمایت می‌کنند، و این حتی زمانی است که تصور می‌شود دولت به شدت فاسد است. جدول

۱ نشان می‌دهد که تأثیر حاشیه‌ای تحمل فساد زمانی که فساد بالاست، مثبت و معنی‌دار است. این نشان می‌دهد کسانی که بیشتر، تحمل فساد را دارند هنگامی که سطح فساد بالاست، از دولت حمایت بیشتری می‌کنند. اگرچه تأثیر آن از لحاظ آماری معنی‌دار است، اما از هر دو متغیر اقتصادی و اثربخشی دولت کوچکتر است.

فرجام سخن

در این مقاله سعی شد تا یک معمای مهم سیاسی حل شود: چرا دولت‌های فاسد، بر مفهوم جمهوری دموکراتیک تأکید می‌کنند؟ استدلال این نوشتار، این است که دولت‌های فاسد می‌توانند از طریق دستکاری نهادهای دولتی در راستای منافع شبکه‌های حامی‌شان، حمایت رأی دهندگان را حفظ کنند. در این شرایط، توزیع برنامه‌ریزی شده کالاهای عمومی با استفاده از دستگاه حمایت‌گرایانه‌ای انجام می‌شود که این کالاها را بر اساس مبادلات شخصی، توزیع می‌کند. میزان حمایت شهروندان از دولت‌های فاسد، بستگی به توانایی آن‌ها به توزیع چنین حمایتی دارد. تحلیل ما نشان می‌دهد که حمایت سیاسی از دولت‌های فاسد، در صورتی که این دولت‌ها قادر به تصرف دستگاه دولتی جهت اعطای پاداش به وفاداران سیاسی و توزیع منافع ملموس نباشند، بطور قابل توجهی کاهش می‌یابد. در کشورهایی که در آن‌ها نهادهای دموکراتیک قدرتمندی وجود دارد، در مقابل دولت فاسد تحمل بسیار کمتری دیده می‌شود زیرا شهروندان هزینه‌های حامی‌پروری و ارتباط با مدیریت فاسد را بیشتر می‌دانند. این یافته‌ها، نظر کیتشلت (۲۰۰۰) را تأیید می‌کنند که جوامع برخوردار، سازمان‌های حزبی را توسعه می‌دهند که انسجام در برنامه‌ریزی را تشویق نموده و اطمینان می‌دهد که شهروندان در مورد سیاست‌های قابل پیش‌بینی برای توزیع کالاهای عمومی می‌توانند مستقل از دولت و شبکه‌های کاری و حامی-پیرو وابسته به آن باشند.

خلاصه این یافته‌ها برای کشورهای دارای نهادهای دموکراتیک ضعیف، نگران‌کننده است. با توجه به این که نهادهای دموکراتیک

ضعیف، بالاترین احتمال حمایت از دولت فاسد را نشان می‌دهد، همانطور که قبلاً توسط کالوو و ماریلو (۲۰۰۴) بیان شده است این امکان وجود ندارد که نامزدهای حامی اصلاحات سیاسی در این کشورها حمایت قابل توجهی بدست آورند و همانگونه که استوکس (۲۰۰۵) می‌گوید انگیزه‌ای برای دولت مستقر جهت اصلاح نهادهای وجود ندارد. اگر مقامات حزب حاکم، فاسد باشند، بهترین راهبرد آن‌ها این است که همچنان به سیاست حامی‌پرورانه ادامه دهند که فقر، نابرابری بالای درآمدی و سلطه سیاسی را دائمی می‌سازد. مصداقی از این مدعا، کشور آرژانتین است.

در نتیجه بحران سال ۲۰۰۲، تعداد فقرا در این کشور نسبت به یک دهه قبل بیش از دو برابر شد که این میزان نیمی از کل جمعیت را دربرمی‌گرفت. با این حال، به رغم این واقعیت که حزب عدالت‌خواه^۱ در طول دهه ۱۹۹۰ قدرت را در دست داشت و تا حد زیادی مسئول ناکامی اقتصادی سال ۲۰۰۲ بود، سلطه‌اش بر سیاست آرژانتین، اگر نگوییم قوی‌تر شده به همان اندازه گذشته قوی است. این بدان خاطر است که بیشتر افراد فقیر در این کشور به غذا، شغل، پوشاک، مسکن و مبالغ جبرانی بیکاری که توسط شبکه‌های حامی‌پرور حزبی، کنترل و توزیع می‌شود، وابسته هستند و در نتیجه این حزب سلطه خود را بر صندوق‌های رأی حفظ کرده است. این نکته مطابق با استدلال استوکس است که فقر، ماشین‌های حزبی حامی‌پرور که خوب سازماندهی شده-

^۱justicialist

اند را تغذیه می‌کند و چرخه منحرفی را به وجود می‌آورد که برای تحکیم دموکراتیک و حکومت خوب بسیار زیان آور است.

بنابراین، تغییر در جهت بهتر شدن، به آهستگی و به احتمال زیاد در یک دوره طولانی رخ می‌دهد. اصلاحات اداری و اقتصادی در صورتی که حاکمان فاسد، عهده‌دار آن باشند نتایج مورد انتظار را به بار نخواهد آورد. این موضوع، تا حدودی توضیح می‌دهد که چرا اصلاح بازار تحت حمایت مالی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و فراکمونیسیم در دهه ۱۹۹۰ ناکام ماندند زیرا آن‌ها اصلاح اقتصاد کلان و برخی از اصلاحات قضایی را مورد توجه قرار دادند اما هسته مشکل را که سیاسی بود، دست نخورده رها کردند (شلیفر و ویشنی، ۲۰۰۲). حتی بدتر از این، برخی از اصلاحات به حاکمان فاسدی واگذار شد که متکی به دستگاه حامی‌پرور قوی بودند. در واقع، برخی از رؤسای جمهور واجد ویژگی‌های مذکور که در اوایل دهه ۱۹۹۰ به عنوان اصلاح‌گران بزرگ مورد ستایش قرار می‌گرفتند و کمک‌های بزرگی از بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول دریافت کردند، بعد از بازنشسته‌شدن متهم به درگیر بودن در فعالیت‌های فاسد در مقیاس بزرگ شدند (به عنوان مثال، آلبرتو فوجی موری، کارلوس منم، کارلوس سالیناس و بوریس یلتسین). جای تعجب نیست که هیچ یک از این رهبران تلاش ملموسی برای تغییر نهادهای سیاسی که ریشه در سنت‌های حامی‌پرور قدیمی داشت، انجام ندادند و در عوض به ترویج فساد و رفتار رانت‌جویانه تحت عنوان اصلاحات جدید ادامه دادند. این ملاحظه، ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که اگر مورد بررسی دقیق قرار نگیرد که کمک‌های چندجانبه به دولت‌ها

چگونه صرف می‌شوند، این کمک‌ها ممکن است باعث شود افراد دوستدار اصلاح بازار، خود را خارج از قدرت ببینند.

چنان که اشاره شد، در کشورهای دارای نهادهای دموکراتیک قوی، حمایت سیاسی زیادی از دولت‌های فاسد به احتمال زیاد وجود نخواهند داشت. شهروندان از سیاست برنامه‌ای جانبداری کرده و دولت‌های فاسد نیز، بهره‌برداری از نهادهای دموکراتیک برای حمایت کافی جهت خرید حمایت سیاسی قابل ملاحظه را دشوار خواهند دید. اطمینان از عملکرد نهادهای دموکراتیک و سیاست‌های عادلانه برای توزیع کالاهای عمومی باعث می‌شود هزینه‌های حمایت از حکومت‌های فاسد بالا باشد.

به باور این تحلیل، در انتهای طیف، کشورهای دارای ضعیف‌ترین نهادهای دموکراتیک قرار دارند که احتمالاً به حمایت از وضع موجود ادامه می‌دهند، حتی اگر فساد قابل توجهی وجود داشته باشد. کشورهای دارای قوی‌ترین نهادهای دموکراتیک، احتمالاً از دولت‌های سالم حمایت می‌کنند. با این حال، در میانه میدان، این سیاستگذاران، سیاستمداران و رای‌دهندگان هستند که با انتخاب‌های مهم مواجه می‌باشند. در این کشورهاست که مسائل مربوط به اصلاح نهادها و سلامت نامزدها در گوش رای‌دهندگان طنین‌انداز است و سیاستگذاران با چالش‌های مربوط به دور نگه داشتن دولت از فساد از جانب خود حکومت مواجه‌اند. از این تحلیل مشخص است که نه احتمال حمایت از یک دولت فاسد و نه عدم حمایت از آن در هیچ کشوری مطلق نیست. با این حال، قدرت نهادهای دموکراتیک قطعاً توضیح می‌دهد که چرا

دولت‌های فاسد، امکان وجود پیدا می‌کنند و حتی در برخی از کشورهای دموکراتیک رشد می‌کنند.

اگر چه این تحلیل به یک قطعه از جورچین مربوط به تعامل پیچیده بین حمایت عمومی، نهادهای دولتی و فساد می‌پردازد، اما کار قابل توجهی وجود دارد که می‌بایست انجام شود. برای محققان و سیاست‌گذاران در راستای ارائه توصیه‌هایی به کشورها در مبارزه با مسائل مربوط به فساد و اصلاحات سیاسی، چالش باقی‌مانده جمع‌آوری داده‌های بهتر در طول دوره‌های طولانی‌تر است (که دسترسی به آنها هنوز محدود باقی مانده است) تا تحلیل تجربی بتواند بینش دقیق‌تر و از لحاظ نظری، قوی‌تری درباره این موضوعات سیاسی حساس به دست دهد.

ضمیمه

متغیرها

رضایت اقتصادی (پیمایش ارزشهای جهانی)
 رضایت شما از وضعیت مالی خانواده‌تان چگونه است؟ اگر "۱" به این معنی باشد که شما به طور کامل بر اساس این مقیاس ناراضی هستید، و "۱۰" این معنی که به طور کامل راضی هستید، رضایت خود از وضعیت مالی خانواده‌تان را چه نمره‌ای می‌دهید؟

تورم (تغییر درصد سالانه)

پیمایش مالی و اقتصادی جهانی

پایگاه داده چشم‌انداز اقتصاد جهان در سپتامبر ۲۰۰۰

<http://www.imf.org/external/pubs/ft/weo/2000/02/data/>

تحمل در برابر فساد (پیمایش ارزشهای جهانی)

پذیرش رشوه از سوی فرد در طول انجام وظایف‌اش

هرگز قابل توجیه نیست همیشه قابل توجیه است

۱۰/۹/۸/۷/۶/۵/۴/۳/۲/۱

آموزش (پیمایش ارزشهای جهانی)

بالاترین سطح آموزش که شما کسب کرده‌اید چیست؟ (از تابع معادل زیر، در جامعه

مفروض استفاده کنید)

- ۱- هیچ آموزش رسمی
- ۲- آموزش ناتمام دبستان
- ۳- آموزش کامل ابتدایی
- ۴- آموزش ناتمام در دوره متوسطه: نوع فنی / حرفه ای
- ۵- آموزش کامل در دوره متوسطه: نوع فنی / حرفه ای
- ۶- آموزش ناقص ثانویه: نوع پیش‌دانشگاهی

- ۷- آموزش کامل ثانویه: نوع پیش‌دانشگاهی
 ۸- برخی از آموزش‌های در سطح دانشگاه و بدون اخذ مدرک
 ۹- آموزش در سطح دانشگاه با اخذ مدرک

یادداشت‌ها

- ۱- در دزدسالاری^۱، رشوه تنها یکی از راه‌های دستیابی به ثروت است. اشکال آشکار فساد، سرقت از وجوه دولتی و سلب مالکیت اموال به منظور تعریف شخصی به جای توزیع آن‌هاست. رؤسای جمهور محمد سوهارتو از اندونزی، فردیناند مارکوس از فیلیپین، ثانی آباچا از نیجریه و موبوتو سسکو از زئیر نمونه‌های قابل توجهی از رهبرانی است که دچار این نوع فساد بزرگ شدند.
- ۲- در ذیل این اصل، سیستم انتخاباتی اکثریتی مشوق‌هایی برای آرای افراد به طور مشابه با نظام نمایندگی تناسبی و نظام نمایندگی رأی غیرقابل انتقال ارائه می‌کند.
- ۳- شعار اصلی پرتغالی "Rouba mas faz" بود. برای تجزیه و تحلیل سیاست حامی‌پرورانه دی باروس مقاله موریسیو پلاس با عنوان "por Adhemar de Folha de São Paulo ۱۷ سپتامبر، ۲۰۰۵ را ببینید. ادواردز، چند سال بعد از برنده شدن در آخرین انتخابات فرمانداری‌ها، در دادگاه فدرال ایالات متحده به دلیل موارد عدیده‌ای از فعالیت‌های فاسد به اعدام محکوم شد.
- ۴- این استراتژی بیشتر زمانی تسهیل‌گر است که کشور، نظارت کم و ظرفیت اندکی برای شناسایی و مجازات رفتار فاسد داشته باشد و شهروندان اطلاعات نادری در مورد رفتار سیاستمداران داشته باشند (ادسرا، بویکس و پین، ۲۰۰۳؛ بورگش و بسلی، ۲۰۰۲).
- ۵- افراطی‌ترین شکل فساد یعنی دزدسالاری، استراتژی برنده انتخابات نخواهد بود زیرا چنین رژیم‌های به‌طور گسترده غنایم را توزیع نمی‌کنند.

^۱ Kleptocracy

- ۶- البته، این گزاره‌ها همه احتمالاتی است. هیچ ترتیبات نهادی که مانع از تشکیل شبکه‌های حمایتی شود وجود ندارد. با این حال، این نهادها ساختار فرصت را برای سیاستمداران فراهم می‌کنند. بنابراین، ماهیت نهادهای دموکراتیک، احتمال اینکه یک سیاستمدار برای توسعه و حفظ شبکه‌های حامی‌پرورانه پاداش دریافت نماید را بیشتر یا کمتر می‌کند.
- ۷- ادراک فساد (متغیر مستقل کلیدی ما) در بیشتر موج‌های اخیر مطالعه ارزش-های جهانی مورد سوال قرار نگرفت. اگر چه در نمونه مطالعه ارزش‌های جهانی بیش از ۷۰ کشور، همه سوالات در همه کشورها مورد سوال قرار نگرفته است. تنها در ۱۴ کشور، تمام پرسش‌های مورد استفاده در تحلیل ما مورد سوال قرار گرفت.
- ۸- نتایج حاصل از روش لگاریتمی مرتب شده^۱ که همه چهار گروه پاسخ را حفظ می‌کند تفاوت قابل ملاحظه‌ای از تحلیل لگاریتمی ندارد. این تحلیل از سوی نویسندگان در دسترس است.
- ۹- برای تجزیه و تحلیل تفاوت در برداشت از اقدامات فاسد در آرژانتین به اثر لوسيو بروم (۲۰۰۴) مراجعه کنید.
- ۱۰- متغیرهای اضافی اجتماعی- جمعیتی مانند سن و درآمد در همه کشورهای نمونه مورد پرسش قرار نگرفتند. در یک نمونه کوچکتر از کشورها که در آن سن، درآمد و سطح آموزش ثبت گردید، تنها آموزش معنی‌دار بود. بنابراین، این متغیر را در مدل کامل بدون سایر متغیرهای اجتماعی- جمعیتی حفظ می‌کنیم تا تعداد زیادی از کشورها در تحلیل وارد شوند.
- ۱۱- همه احتمالات پیش‌بینی شده که در این تحلیل ارائه گردید به وضوح توسط یک برنامه آماری در بسته آماری Stata تخمین زده شد. استفاده از یک روش شبیه‌سازی تصادفی برای شبیه‌سازی پارامترهایی از قبیل احتمالات پیش‌بینی شده پس از برآورد آماری شفاف می‌شود. برای کسب اطلاعات بیشتر در

^۱ Ordered logit

مورد وضوح به کینگ، تامز و ویتنبرگ (۲۰۰۰) و تامز، ویتنبرگ و کینگ (۲۰۰۳) مراجعه کنید.

۱۲- اثرات حاشیه‌ای متغیرهای مستقل با استفاده از روش دلتا و با دستور predictnl در نرم افزار Stata ۸.۲ محاسبه شده است.

۱۳- علاوه بر تجزیه و تحلیل ارائه شده در جدول ۱، استحکام یافته‌ها را با حذف دو مورد دارای سیستم تک‌حزبی غالب (تایوان و مکزیک) تست می‌کنیم تا تعیین کنیم آیا سطح حمایت شهروندان تابع جایگزین‌های سیاسی موجود برای آن‌هاست یا خیر. نتایج این تحلیل از جانب نویسندگان در دسترس است. هیچ تفاوت قابل توجهی در ضرایب و یا در نتیجه گیری اساسی از تحلیل وجود ندارد.

فهرست منابع

- Adserá, A., Boix, C., & Payne, M. (۲۰۰۳). Are you being served? Political accountability and quality of government. *Journal of Law, Economics and Organization*, ۱۹, ۴۴۵-۴۹۰.
- Ames, B. (۱۹۹۵). Electoral strategy under open-list proportional representation. *American Journal of Political Science*, ۳۹, ۴۰۶-۴۳۳.
- Anderson, C., & Tverdova, Y. (۲۰۰۳). Corruption, political allegiances, and attitudes toward government in contemporary democracies. *American Political Science Review*, ۹۱(۱), ۹۱-۱۰۹.
- Beck, A., & Lee, R. (۲۰۰۲). Attitudes to corruption amongst Russian police officers and trainees. *Crime, Law and Social Change*, ۳۸, ۳۵۷-۳۷۲.
- Bratton, M., & van de Walle, N. (۱۹۹۴, July). Neopatrimonial regimes and political Transitions in Africa. *World Politics*, ۴۶, ۴۵۳-۴۸۹.
- Brom, L. (۲۰۰۴, October). *Avances para un catálogo lego de situationcies corruptas*. Paper presented at the annual meeting of the Latin American Studies Association, Las Vegas, Nevada.
- Brusco, V., Nazareno, M., & Stokes, S. C. (۲۰۰۴). Vote buying in Argentina. *Latin American Research Review*, ۳۹(۲), ۶۶-۸۸.
- Burgess, R., & Besley, T. (۲۰۰۲). The political economy of government responsiveness: Theory and evidence from India. *Quarterly Journal of Economics*, ۱۱۷, ۱۴۱۵-۱۴۵۱.
- Cain, B., Ferejohn, J., & Fiorina, M. (۱۹۸۷). *The personal vote: Constituency service and electoral independence*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Calvo, E., & Murillo, M. V. (۲۰۰۴). Who delivers? Partisan clients in the Argentine electoral market. *American Journal of Political Science*, ۴۸, ۷۴۲-۷۵۷.

- Carey, J., & Shugart, M. (۱۹۹۵). Incentives to cultivate a personal vote: A rank ordering or electoral formulas. *Electoral Studies*, ۱۴, ۴۱۷-۴۳۹.
- Clapham, C. (۱۹۸۲). Clientelism and the state. In C. Clapham (Ed.), *Private patronage and public power* (pp. ۱-۳۵). London: Frances Pinter.
- Dhillon, A., & Wantchekon, L. (۲۰۰۳). *Policy commitment through intermediaries: A theory of electoral clientelism*. Unpublished manuscript, New York University.
- Easterly, W., & Levine, R. (۱۹۹۷). Africa's growth tragedy: Politics and ethnic divisions. *Quarterly Journal of Economics*, ۱۱۲, ۱۲۰۳-۱۲۵۰.
- Eisenstadt, S. N., & Lemarchand, R. (Eds.). (۱۹۸۱). *Political clientelism, patronage and development*. Beverly Hills, CA: Sage.
- Elliott, K. (Ed.). (۱۹۹۷). *Corruption and the global economy: Introduction*. Washington, DC: Institute for International Economics.
- Estévez, F., Magaloni, B., & Diaz-Cayeros, A. (۲۰۰۲, May). A portfolio diversification Model of policy choice. Paper presented at the Clientelism in Latin America: theoretical and Comparative Perspectives conference, Stanford University.
- Fox, J. (۱۹۹۴). The difficult transition from clientelism to citizenship: Lessons from Mexico. *World Politics*, ۴۶(۲), ۱۵۱-۱۸۴.
- Goldsmith, A. (۱۹۹۹). Slapping the grabbing hand: Correlates of political corruption in Emerging markets. *American Journal of Economics and Sociology*, ۵۸, ۸۶۵-۸۸۳.
- Heidenheimer, A. (Ed.). (۱۹۷۰). *Political corruption: Readings in comparative analysis*. New Brunswick, NJ: Transaction Books.
- Huntington, S. (۱۹۶۸). *Political order in changing societies*. New Haven, CT: Yale University Press.
- Inglehart, R., Bashkirova, E., Basanez, M., Chiu, H.-Y., Diez-Nicolas, J., Esmer, Y., et al. (۲۰۰۰). *World values surveys and European values*

- surveys, ۱۹۸۱-۱۹۸۴, ۱۹۹۰-۱۹۹۳, and ۱۹۹۵-۱۹۹۷, ICPSR version [Computer file]. Ann Arbor, MI: Institute for Social Research.
- Kaufmann, D. (۱۹۹۷). Corruption, the facts. *Foreign Policy*, ۱۰۷, ۱۱-۲۱.
- Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (۲۰۰۳). Governance matters III: Governance Indicators for ۱۹۹۶-۲۰۰۳ (Working Paper ۳۱۰۶). Washington, DC: World Bank.
- Kaufmann, D., Kraay, A., & Zoido-Labaton, P. (۱۹۹۹). Governance matters (Working Paper ۲۱۹۶). Washington, DC: World Bank.
- Kaufmann, D., & Wei, S. J. (۱۹۹۹). Does “grease money” speed up the wheels of commerce? (Working Paper ۷۰۹۳). Washington, DC: National Bureau of Economic Research.
- Keefer, P. (۲۰۰۵). Democratization & credibility: Why are young democracies badly Governed? (Working Paper ۲۵۹۴). Washington, DC: World Bank.
- King, G., Tomz, M., & Wittenberg, J. (۲۰۰۰). Making the most of statistical analyses: Improving interpretation and presentation. *American Journal of Political Science*, ۴۴, ۳۴۷-۳۶۱.
- Kitschelt, H. (۲۰۰۰). Linkages between citizens and politicians in democratic polities. *Comparative Political Studies*, ۳۳, ۸۴۵-۸۷۹.
- Kitschelt, H., Mansfeldova, Z., & Markowski, R. (۱۹۹۹). Post-communist party systems competition, representation, and inter-party cooperation. Cambridge, UK: Cambridge university Press.
- Knack, S., & Keefer, P. (۱۹۹۵). Institutions and economic performance: Cross-country tests using alternative institutional measures. *Economics and Politics*, ۷, ۲۰۷-۲۲۷.
- Leff, N. (۱۹۶۴). Economic development through bureaucratic corruption. *American behavioral Scientist*, ۸(۳), ۸-۱۴.

- Leftwich, A. (۱۹۹۵). Bringing politics back in: Towards a model of the developmental state. *Journal of Development Studies*, ۳۱, ۴۰۰-۴۳۵.
- Lemarchand, R. (۱۹۷۲). Political clientelism and ethnicity in tropical Africa: Competing solidarities in nation-building. *American Political Science Review*, ۶۶(۱), ۶۸-۹۰.
- Lizzeri, A., & Persico, N. (۲۰۰۱). The provision of public goods under alternative electoral incentives. *American Economic Review*, ۹۱(۱), ۲۲۵-۲۳۹.
- Luttmer, E. (۲۰۰۱). Group loyalty and taste for redistribution. *Journal of Political Economy*, ۱۰۹, ۵۰۰-۵۲۸.
- Malesky, E. (۲۰۰۱, March). Enduring clientelism in Vietnam. Paper presented at the Citizen-Politician Linkages in Democratic Politics conference, Duke University.
- Mauro, P. (۱۹۹۵). Corruption and growth. *Quarterly Journal of Economics*, ۱۱۰, ۶۸۱-۷۱۲.
- Medina, L., & Stokes, S. (۲۰۰۲). Clientelism as political monopoly. Chicago: University of Chicago.
- Mishler, W., & Rose, R. (۲۰۰۱). What are the origins of political trust? Testing institutional and cultural theories in post-communist societies. *Comparative Political Studies*, ۳۴(۱), ۳۰-۶۲.
- Mitchell, P. (۲۰۰۰). Voters and their representatives: Electoral institutions and delegation in parliamentary democracies. *European Journal of Political Research*, ۳۸, ۳۳۵-۳۵۱.
- Montinola, G., & Jackman, R. (۲۰۰۲). Sources of corruption: A cross-country study. *British Journal of Political Science*, ۴۰, ۵۷۰-۶۰۲.
- Morris, S. (۱۹۹۱). Corruption and politics in contemporary Mexico. Tuscaloosa: University of Alabama Press.

- Norton, E. C., Wang, H., & Ai, C. (۲۰۰۴). Computing interaction effects and standard errors in logit and probit models. *Stata Journal*, ۴(۲), ۱۰۳-۱۱۶.
- Nye, J. (۱۹۶۷). Corruption and political development: A cost-benefit analysis. *American Political Science Review*, ۶۱, ۴۱۷-۴۲۷.
- Persson, T., Tabellini, G., & Trebbi, F. (۲۰۰۳). Electoral rules and corruption. *Journal of the European Economic Association*, ۱, ۹۵۸-۹۸۹.
- Roniger, L., & Gunes-Ayata, A. (۱۹۹۴). *Democracy, clientelism, and civil society*. Boulder, CO: Lynne Rienner.
- Rose, R., Mishler, W., & Haerpfer, C. (۱۹۹۸). *Democracy and its alternatives: Understanding post-communist societies*. Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- Rose-Ackerman, S. (۱۹۹۹). *Corruption and government*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Samuels, D. (۱۹۹۹). Incentives to cultivate a party vote in candidate-centric electoral systems: Evidence from Brazil. *Comparative Political Studies*, ۳۲, ۴۸۷-۵۱۸.
- Schmidt, S. W., Guasti, L., Land, C., & Scott, J. C. (Eds.). (۱۹۹۷). *Friends, followers and factions: A reader in political clientelism*. Berkeley: University of California Press.
- Schulte Nordholt, N. G. (۲۰۰۰). Corruption and legitimacy in Indonesia: An exploration. In H. E. Bakker & N. G. Schulte Nordholt (Eds.), *Corruption and legitimacy* (pp. ۶۵-۹۵). Amsterdam: SISWO Publications.
- Scott, J. C. (۱۹۷۲). Patron-client politics and political change in southeast Asia. *American Political Science Review*, ۶۶(۱), ۹۱-۱۱۳.
- Seligson, M. (۲۰۰۲). The impact of corruption on regime legitimacy: A comparative study of four Latin American countries. *Journal of Politics*, ۶۴, ۴۰۸-۴۳۳.

- Shefter, M. (١٩٧٧). Party and patronage: Germany, England, and Italy. *Politics and Society*, ٧, ٤٠٣-٤٥٢.
- Shleifer, A., & Vishny, R. (٢٠٠٢). *The grabbing hand: Government pathologies and their cures*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Stokes, S. (٢٠٠٥). Perverse accountability: A formal model of machine politics with evidence from Argentina. *American Political Science Review*, ٩٩, ٣١٥-٣٢٦.
- Theobald, R. (١٩٨٢). Patrimonialism. *World Politics*, ٣٤, ٥٤٩-٥٥٨.
- Tomz, M., Wittenberg, J., & King, G. (٢٠٠٣). CLARIFY: Software for interpreting and presenting statistical results (Version ٢.١). Stanford University, University of Wisconsin, and Harvard University. Retrieved February ١٧, ٢٠٠٤, from <http://gking.harvard.edu/>
- Tulchin, J., & Espach, R. (Eds.). (٢٠٠٠). *Combating corruption: Anti-corruption policies in Latin America*. Boulder, CO: Lynne Rienner.
- Wantchekon, L. (٢٠٠٣). Clientelism and voting behavior: A field experiment in Benin. *World Politics*, ٥٥, ٣٩٩-٤٢٢.
- Waterbury, J. (١٩٧٦). Corruption, political stability, and development: Comparative evidence from Egypt and Morocco. *Government and Opposition*, ١١, ٤٢٦-٤٤٥.
- Wertheim, W. F. (١٩٧٠). Sociological aspects of corruption in Southeast Asia. In A. Heidenheimer (Ed.), *Political corruption: Readings in comparative analysis* (pp. ١٩٥- ٢١١). New Brunswick, NJ: Transaction Books.

آدرس: تهران خیابان طالقانی - تقاطع خیابان شهید سارمان بازرسی کل کشور

طبقه ششم - مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد

تلفن: ۶۱۳۶۲۳۰۷

نشانی الکترونیک: bazراسي.research@136.ir

www.Bazراسي.ir